

بررسی تاثیر طلاق والدین بر بزهکاری اطفال در شهر شیراز

مهدی ناظمی^۱، محسن دلاوری^۲

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه بین الملل واحد قشم.

^۲ دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد بین الملل قشم.

نام نویسنده مسئول:

مهدی ناظمی

چکیده

طلاق والدین یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر بزهکاری و افزایش جرم در میان کودکان و نوجوانان می باشد. هدف از این تحقیق، بررسی تاثیر طلاق والدین بر بزهکاری اطفال در شهر شیراز بود. این تحقیق با توجه به نوع هدف، کاربردی و از نظر چگونگی اجرا در زمره تحقیقات توصیفی - پیمایشی قرار داشت. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه اطفال بزهکار شهر شیراز با حجم نمونه ۲۷۳ نفر و نمونه گیری به صورت تصادفی در دسترس بود. ابزار تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته بزهکاری بود. پس از جمع آوری پرسشنامه ها در نرم افزار آماری SPSS، به کمک آزمون های استنباطی رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل داده ها انجام گرفت. یافته ها نشان داد که طلاق والدین بر بزهکاری اطفال در شهر شیراز تاثیر معنادار دارد.

واژگان کلیدی: اعتیاد فرزندان، بزهکاری اطفال، تحصیلات والدین، طلاق، سرقت، وضعیت اقتصادی.

مقدمه

بزه‌کاری به شیوه‌های گوناگون تعریف شده است. به نظر می‌رسد، کامل‌ترین تعریفی که با توجه به نظریات کارشناسان رشته‌های مختلف ارائه شده، این است که بزه‌کاری، اقدام به عملی است که برخلاف موازین، مقررات و قوانین جامعه بوده، انجام آن موجب پیگرد قانونی می‌شود و کسانی را که مرتکب چنین اعمالی می‌گردند، مجرم یا بزه‌کار می‌گویند. از طرفی هر تحقیق عمده‌ای در زمینه بزه‌کاری، رابطه نزدیکی را میان بی‌ثباتی شرایط زندگی و محیط خانوادگی اطفال، با بزه‌کاری نشان داده است. تحقیقات و شواهد زیادی گویای این واقعیت است که در پس بسیاری از بزه‌کاری اطفال، کانون خانوادگی ناسالم و متلاشی شده‌ای پنهان است (نوابی نژاد، ۱۳۹۰).

هر گاه بنیان عاطفی و اخلاقی خانواده سست گردد روی نظم خانواده (طلاق) تأثیر گذاشته، بزه‌کاری رخ می‌دهد. نظم و تعدل در خانواده رابطه معکوس با روند بزه‌کاری دارد. آنگاه که طلاق رو به فزونی می‌رود، کشمکش‌های درونی خانواده اوج می‌یابد و فرزندان در سنین نوجوانی به دور از نظر والدین در ورطه آلامی چون اعتیاد، بزه‌کاری و ... گرفتار می‌آیند. ج باید توجه کرد که طلاق و گسستگی خانواده تأثیری مستقیم و قطعی در بروز رفتار بزه‌کارانه در اطفال دارد. بولبی^۱ (۲۰۱۰) معتقد است جدایی از والدین به خصوص مادر که موجب ناتوانی در برقراری رابطه‌ی عاطفی سالم و صحیح به هنگام بلوغ می‌شود. هویر^۲ (۲۰۱۲) نشان داده است که نزدیک به ۹۰ درصد از اطفال بزه‌کار، منحرف و یا مجرم از خانواده‌هایی هستند که طلاق باعث شده است تا شیرازه زندگی آنان از هم گسیخته شده و سایه شوم خود را بر سایبان زندگی جوانان طلاق افکنده است (فدایی، ۱۳۹۰).

طلاق همه اعضای خانواده را دچار اضطراب می‌کند، ولی برای فرزندان ناگوارتر است. تجربه طلاق برای تمام اعضای خانواده اضطراب‌زاست و رفتار کودکان پس از طلاق نشان‌دهنده این اضطراب است و پس از طلاق میزان اختلالات عاطفی و رفتاری در کودکان بالا می‌رود. از عواقب و پیامدهای طلاق یا تأثیر طلاق در پدیده‌های روانی و اجتماعی کودکان را می‌توان به طور اختصار چنین برشمرد: بزه‌کاری کودکان و نوجوانان، ناسازگاری‌ها و رفتارهای ضد اجتماعی. فحشا بویژه در نتیجه فقر و ناآگاهی. اعتیاد زنان، مردان، کودکان و استفاده از کودکان در توزیع مواد مخدر و دیگر فعالیت‌های غیرمجاز. پرخاشگری و ناسازگاری کودکان و نوجوانان، فرار از منزل و ولگردی آنان. کاهش میل به ازدواج در دیگر افراد خانواده بویژه بچه‌های طلاق. اهمال و مسامحه والدین در تحکیم و تربیت فرزندان و آسیب دیدن روانی و اجتماعی. بچه‌های طلاق با گذشت چندین سال نمی‌توانند ثبات هیجانی و عاطفی خود را به دست آورند. از آنجا که هسته مرکزی شخصیت افراد به نظر بسیاری از پژوهشگران روان‌شناسی در دوران کودکی شکل می‌گیرد، این‌گونه کودکان در بسیاری از موارد دچار اختلالات شخصیتی خواهند شد. فرزندان طلاق در آینده اکثراً افسرده، گوشه‌گیر و منزوی هستند و اتکای به نفس آنان نیز بشدت کم می‌شود. فرزندان طلاق آینده‌ای قوی را برای خود تصور نمی‌کنند و اطمینان خود را به ارکان زندگی از دست می‌دهند و در آینده نسبت به افراد پیرامون خود و مقیاس بالاتر اجتماع، به نوعی بی‌اعتنایی و بی‌توجهی کشیده می‌شوند.

مفاهیم نظری تحقیق

بزه‌کاری یک از چالش‌های مهم در علم جامعه‌شناسی است. این معضل آن قدر ابعاد و جنبه‌های فراوان دارد که نمی‌توان آن را صرفاً یک مسئله اجتماعی دانست. چرا که این مشکل ریشه در حوزه‌های دیگر نیز دارد. بنابراین همانطور که جامعه‌شناسان خود را مستحق می‌دانند که بزه‌کاری را مطالعه و بررسی کنند، زیست‌شناسان، روان‌شناسان نیز به خود اجازه می‌دهند که این موضوع را با نگاه ویژه خودشان تحلیل کنند. کج رفتاری شامل انواع بسیاری از رفتارهای ناهنجار است که اشکالی از آن در هر جامعه‌ای روی می‌دهد. گفته شده که رفتار نرمال یا بهنجار، هر نوع رفتاری است که از هنجارها یا مقررات گروهی که رفتار مزبور در آن روی می‌دهد تبعیت کند (جونز و همکاران، ۲۰۱۵). در مقابل، کج رفتاری هر نوع رفتاری است که با هنجارها یا مقررات گروه، هم‌نوایی نداشته باشد (دورکیم، ۲۰۱۳) و دامنه وسیعی از رفتارها، از تخلفات جزئی در رانندگی تا قتل را دربرمی‌گیرد. البته در نفس تعریف کج‌روی بین صاحب نظران (هم‌چنانکه در گروه‌های مختلف مردم) اختلافات بسیاری وجود دارد و هرکس تحت تأثیر فرضیات فلسفی خاص خود در مورد ماهیت کج رفتاری، آن را تعریف کرده است، اما در این مقاله و در آغاز کار، تعریف دورکیم از کج رفتاری را که بیشتر متداول بوده مطرح کرده ایم و به انواع دیگر آن نیز خواهیم پرداخت. مجموعه صاحب نظرانی که تعریفی از کج رفتاری ارائه داده اند را می‌توان به دو گروه بزرگ تقسیم کرد. یک گروه آنانکه کج رفتاری را پدیده‌ای «واقعی» و دارای صفاتی می‌دانند که از رفتارهای بهنجار قابل تشخیص و تفکیک است. دسته دوم آنانکه مدعی اند کج رفتاری لزوماً واقعی نیست و چه بسیارند کسانی که به غیر حق متهم به کاری می‌شوند و به اشتباه و یا از روی غرض و مرض برچسب می‌خورند. از سوی دیگر صرف ارتکاب نوعی خاص از رفتار چنانچه عده‌ای متوجه نشوند یا قدرت انگ زنی نداشته باشند لزوماً کسی را کج

¹ Boulbey
² Hoir

رفتار نمی کند. بنابراین، از نظر این گروه اساساً این «انگ» است و نه نفس رفتار که کسی را کج رفتار می کند (ارمن و لاندمن، ۲۰۱۷) دسته اول «اثبات گرایان» اند که معمولاً کجروی را ذاتاً واقعی و گروه دوم «برساخت گرایان» اند که اغلب کجروی را نوعی فرآورده اجتماعی - ایده ای که به وسیله جامعه به برخی رفتارها نسبت داده شده - می دانند. اثبات گرایان را به دلیل این نوع تعریف از کج رفتاری و صفات دیگری که برای آن قائل اند، عین گرا، مطلق گرا، جبرگرا، ساختارگرا، واقعیت گرا و ماهیت گرا نامیده اند (گود ۲۰۱۳، ویتیک ۲۰۱۰، هنسلین ۲۰۱۲، ترویر و مارکل ۲۰۱۲) بر ساخت گرایان را هم به شبیه همین دلایل، انسان گرا، ذهن گرا، نسبت گرا، اختیارگرا، فردگرا، تعریف گرا، انتقادی و پست مدرن خوانده - اند (لیمن ۲۰۱۵). جامعه شناسان در تلاشند تا بدانند علت و عواملی که برای پدید آمدن جرم مؤثر است چیست، لذا در موارد وقوع جرم به دنبال علل و عواملی هستند که باعث پدید آمدن و به وقوع پیوستن جرم گردیده است. نظریه های متعددی در مورد انحرافات اجتماعی وجود دارد. دیدگاه زیست شناسی بر این اعتقاد است که علل جرم و انحرافات در ذات خود افراد می باشد و افراد ذاتاً مجرم هستند؛ روان شناسان معتقدند که شرایط حاکم بر فضای موجود در جامعه به گونه ای است که افراد را به طرف جرم می کشاند و باعث پدید آمدن جرم می گردد، به گونه ای که با وجود شرایط مذکور فرد توان مقابله با جرم، و خودداری از انجام آن را ندارد. اما جامعه شناسان وجود خرده فرهنگ ها را علتی برای به وجود آمدن جرم در افراد جامعه می دانند. وقتی خرده فرهنگ که فرد در آن رشد می کند نتواند در راستای فرهنگ کل جامعه حرکت کند و با آن سازگاری داشته باشد، در آن صورت جرم و انحراف در جامعه به وقوع خواهد پیوست. الف - برخی در یک دسته بندی کلان کلیه علل و عوامل مطرح شده توسط صاحب نظران را به دسته بزرگ: (۱) زیست شناختی، (۲) روان شناختی و (۳) جامعه شناختی تقسیم کرده اند. از این منظر کالبد زیستی یا صفات شخصیتی و یا ویژگی های اجتماعی فرهنگی کج رفتاران و غیر آنان متفاوت است و همین تفاوت ها را علت اصلی ارتکاب جرم و کج رفتاری بر شمرده اند (صدیق سروستانی، ۱۳۹۶). ب - بعضی دیگر نیز در دسته بندی مشابهی، علل و عوامل کج رفتاری انسان ها به سه گروه عمده (۱) نظریه های وفاق، (۲) نظریه های فشار و (۳) نظریه های مجرم سازی تقسیم بندی کرده اند. از این منظر، نظریه های وفاق با فرض اینکه اکثریت قابل توجهی از مردم با تکیه بر ارزش های مشترک، در مورد عمل به هنجارهای مقبول اجتماعی توافق دارند، علت اصلی کج رفتاری را نبود یا ضعف کنترل های اجتماعی (التزام اجتماعی) می دانند. نظریه های فشار هم مدعی اند که تفاوت های ارزشی ناشی از تنوع فرهنگ، جایگاه و فرصت های اشخاص، آنان را منشعب ساخته و به چالش با هنجارهای غالب وامی دارد. از این دیدگاه، نیروهایی در هر جامعه وجود دارند که افراد را با فشار به سمت ارتکاب جرم و کج رفتاری می رانند. اما نظریه های مجرم سازی بر این سؤال اصلی تأکید دارند که چرا برخی افراد طی فرایند مجرم سازی از دیگران جدا شده و «مجرم» خوانده می شوند. این نظریه ها به خلاف نظریه های وفاق که فرض کرده است که در جامعه نوعی توافق اساسی بر سر تعریف کج رفتاری وجود دارد، تنها به چنین وفاقی باور ندارند بلکه مدعی اند که تضادهای موجود در جامعه بر سر تعریف های کج رفتاری، نقطه شروع تبیین علت کج رفتاری هاست. بحث اصلی در نظریه های مجرم سازی به چگونگی تمجید یا تحقیر نوعی رفتار در گروه های خاصی از جامعه و اینکه این تمجیدها و تحقیرها بر رفتارهای آینده افراد چه تأثیری دارد، مربوط می شود. نگاه این نظریه ها در عین حال نگاهی است انتقادی به نقش تعیین کننده دولت ها و مقامات در تعریف کج رفتاری و جرم، تعصب و افراطشان در اجرای منویات خود، حداقل در مورد طبقه محروم و نقش مداخله گر، مزاحم و سرکوب گر دولت در امور مربوط به رفتارهای اجتماعی آنان. تاکنون جامعه شناسان، روان شناسان، روان پزشکان و به طور کلی محققان و متخصصان، براساس دیدگاه های مختلف، علل و عوامل متعددی را برای انحراف اجتماعی و بزهکاری بر شمرده اند. براساس مطالعات اکتشافی انجام شده می توان این عوامل را در سه سطح خرد، میانه و کلان تقسیم کرد. منظور از سطح خرد همان دیدگاه روان شناسانه است. براین اساس، کلیه عواملی که مربوط به فرد، شخصیت و حتی ناراحتی های جسمی و روانی او می شود، بررسی می گردد. در سطح میانه به علل و عواملی که در جامعه پذیری فرد نقش دارند - که نه در سطح خرد و نه در سطح کلان قرار گرفته اند - تکیه می شود. مانند خانواده، گروه همسالان، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی. در سطح کلان، به منزله یک آسیب اجتماعی تلقی شده و به کلیه عوامل ساختاری و کلانی که در سطح اجتماعی منجر به انحراف اجتماعی و بزهکاری می گردند اشاره می شود (صدیق سروستانی، ۱۳۹۳).

علل انحراف اجتماعی و بزهکاری در سطح خرد

خصوصیات شخصیتی و روانی شاید یکی از علل گرایش افراد به انحراف اجتماعی و بزهکاری باشد. مطالعاتی که به وسیله روان شناسان انجام گرفته است نشان می دهد که بزهکاران در میزان های اضطراب، احساس تنهایی، گرایش به افسردگی، فقر در روابط عاطفی و احساس بی کفایتی، نمره دریافت نموده اند. براساس این تحقیق، منحرفان اجتماعی و بزهکاران بیشتر منزوی و افسرده بودند، دلپره و اضطراب داشتند و تماس چندانی با مردم نداشتند. از نظر عاطفی نابالغ، عصیانگر، پرخاشگر و بی قرار بودند و از رشد اجتماعی برخوردار نبودند. در یک مطالعه دیگر معلوم شد که بیشتر بزهکاران، اعمال خود را عامل از بین بردن اشکال روانی خود می دانستند. فقدان هدف و ایده آل زندگی، ناامیدی و یاس، عدم اعتماد به نفس و ضعف اراده، شکست در رسیدن به آمال، زودرنجی، شخصیت تلقین پذیر، عدم اعتماد

به محیط و آینده، عقده حقارت، رشد ناسالم شخصیت، کنجکاوی، تمایل و کشش به مصرف، سرخوردگی در زندگی و اجتماع از دیگر عوامل شخصیتی و روانی افرادی است که به انحراف اجتماعی و بزهکاری مبادرت می ورزند (هرشی، ۲۰۱۱).

فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی: طلاق والدین بر بزهکاری اطفال در شهر شیراز تاثیر معنادار دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و با توجه به نحوه گردآوری داده ها جزء تحقیقات توصیفی-پیمایشی و به لحاظ زمانی، مقطعی خواهد بود و جهت گردآوری داده ها از روش میدانی استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه اطفال بزهکار در کانون اصلاح و تربیت شهر شیراز بود (مجموعاً ۱۰۰۰ نفر). با استفاده از فرمول کوکران، ۲۷۳ نفر از اطفال، با روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس انتخاب شد. ابزار استفاده شده در این تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته ۷۰ سوالی، ساخته عوامل موثر بر بزهکاری اطفال، با طیف پاسخ دهی به صورت لیکرت، می باشد. پس از تکمیل پرسشنامه، پرسشنامه ها جمع آوری شده اطلاعات پر شده وارد نرم افزار آماری SPSS نگارش ۲۵ شده، پس از بررسی الفای کرونباخ روی متغیر ها و مقیاس های پرسشنامه جهت سنجش نرمال بودن وضعیت اطلاعات متغیرها، آزمون هایی جهت تجزیه و تحلیل داده ها و بدست آوردن نتایج فرضیه ها انجام می گیرد. این آزمون ها شامل آزمون های توصیفی برای توصیف مد و میانگین، آزمون نرمال سازی اسمیرونف - کلموگروف جهت نرمال سازی و آزمون های استنباطی نظیر آزمون های رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه و میزان پیش بینی کنندگی، آزمون تحلیل واریانس جهت بررسی تاثیر متغیرها بر یکدیگر می باشد.

یافته های تحقیق

هدف از انجام این تحقیق بررسی تاثیر طلاق والدین بر بزهکاری اطفال می باشد. اولین گام در تحلیل مدل فوق، بررسی معنادار بودن کلیت مدل است تا در صورت معناداری، مدل فوق پردازش شده و با توجه به نتایج بدست آمده در خصوص نحوه تأثیرگذاری متغیرها بر هم اظهار نظر نمود. به عبارت دیگر با تحلیل واریانس رگرسیون در خصوص وجود رابطه خطی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته اظهار نظر نموده تا در صورت وجود رابطه خطی، از مدل های رگرسیون خطی جهت پردازش مدل استفاده نموده و در غیر این صورت و عدم وجود رابطه خطی از مدل های دیگری هم چون رگرسیون سهمی، لگاریتمی، معکوس و ... استفاده کرد. جدول زیر نشان دهنده نتایج تحلیل واریانس است که به منظور بررسی وجود رابطه خطی (معناداری) بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته، انجام شده است.

جدول آنالیز واریانس

سطح معنادار.	F	میانگین مربع	درجه آزادی	مجموع مربع ها	مدل
.000 ^a	.087	104.411	1	104.411	رگرسیون
		50.030	271	13558.146	باقیمانده
			272	13662.557	مجموع

همان طور که در جدول تحلیل واریانس رگرسیون می توان مشاهده کرد مقدار F برابر با ۰,۰۸۷ و سطح معناداری (sig) مدل برابر با ۰/۰۰۰ است. از آن جایی که این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر فوق (تساوی ضرایب متغیرهای مستقل با صفر) در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود و این بدان معناست که بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته رابطه خطی وجود دارد.

جدول ضرایب رگرسیون

سطح معنادار	t	ضرایب استاندارد شده		ضرایب استاندارد نشده		مدل
		بتا	انحراف استاندارد	B		
.000	27.981		1.845	51.633		1 طلاق و اختلاف
.000	1.445	.887	.250	.361		1 بزهکاری اطفال

در جدول ضرایب رگرسیون فرضیه ۱، مقدار بتا برابر با ۰,۸۸۷ و مقدار t در متغیر طلاق و اختلاف برابر با ۲۷,۹۸۱ و مقدار t در متغیر بزهکاری اطفال برابر با ۱,۴۴۵ و سطح معناداری متغیرها از ۰,۰۵ کمتر می‌باشد و این به معنای آن است که فرض صفر فوق (مبنی بر برابر بودن ضریب این متغیر با صفر) رد گردیده و تاثیر متغیرها بر یکدیگر معنادار است و فرضیه تایید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

هر تحقیق عمده‌ای در زمینه بزهکاری، رابطه نزدیکی را میان بی‌ثباتی شرایط زندگی و محیط خانوادگی اطفال، با بزهکاری نشان داده است. تحقیقات و شواهد زیادی گویای این واقعیت است که در پس بسیاری از بزهکاری اطفال، کانون خانوادگی ناسالم و متلاشی شده‌ای پنهان است (نوبی نژاد، ۱۳۹۶). هر گاه بنیان عاطفی و اخلاقی خانواده سست گردد روی نظم خانواده (طلاق) تاثیر گذاشته، بزهکاری رخ می‌دهد. نظم و تعدل در خانواده رابطه معکوس با روند بزهکاری دارد. آنگاه که طلاق رو به فزونی می‌رود، کشمکش‌های درونی خانواده اوج می‌یابد و فرزندان در سنین نوجوانی به دور از نظر والدین در ورطه آلامی چون اعتیاد، بزهکاری و ... گرفتار می‌آیند از جمله مواردی که ممکن است در نهایت منجر به بزهکاری اطفال گردد، اختلاف والدین و مشاجرات و اصطکاک بین آنان است که آثار آن متوجه سایر اعضای خانواده و حتی بستگان آنان خواهد شد. گاهی اوقات، مشکلات خانواده‌ها موجب قهر و حتی ترک یکی از والدین از محیط خانواده می‌شود. بدیهی است این گونه معضلات خانوادگی، موجب مختل شدن امنیت و بهداشت روانی فرزندان شده، تأثیر مستقیم و نامطلوبی بر آنان می‌گذارد. اگر فرزندان در محیط خانه خود طعم آرامش، صفا و صمیمیت را، که از نیازهای اولیه است، نچشند در خارج از خانه به دنبال گم‌شده خود خواهند گشت و به احتمال زیاد در دام شیادان و افراد فاسد افتاده و به سوی بزهکاری سوق داده می‌شوند. به هر حال، ناسازگاری و مشاجره پدر و مادر آثار نامطلوب و شومی بر روان اعضای خانواده می‌گذارد. گاهی اوقات، فرزندان به علت برهم خوردن آرامش روانی، نسبت به تحصیل یا کار بی‌علاقه شده، و حتی از منزل فرار می‌کنند و سرانجام، زمینه گرایش آنان به انواع بزهکاری‌ها فراهم می‌شود. نتایج مطالعات این پژوهش نشان داد میان طلاق والدین و بزهکاری اطفال رابطه معناداری وجود دارد. با نتایج تحقیق حاضر با مطالعات (فیلد، ۲۰۱۴)، (روزن باوم، ۱۹۷۳)، (فدایی، ۱۳۹۰)، (بولبی، ۲۰۱۰)، (نتلر، ۲۰۱۴)، (هرشی، ۲۰۱۳)، (لیمن، ۲۰۱۵)، (گود، ۲۰۱۴) و (گیدنز، ۲۰۱۴) هم خوانی داشت.

از عواقب و پیامدهای طلاق یا تاثیر طلاق در پدیده‌های روانی و اجتماعی کودکان را می‌توان به طور اختصار چنین برشمرد: بزهکاری کودکان و نوجوانان، ناسازگاری‌ها و رفتارهای ضد اجتماعی. فحشا بویژه در نتیجه فقر و ناآگاهی. اعتیاد زنان، مردان، کودکان و استفاده از کودکان در توزیع مواد مخدر و دیگر فعالیت‌های غیرمجاز. پرخاشگری و ناسازگاری کودکان و نوجوانان، فرار از منزل و ولگردی آنان. کاهش میل به ازدواج در دیگر افراد خانواده بویژه بچه‌های طلاق. اهمال و مسامحه والدین در تحکیم و تربیت فرزندان و آسیب دیدن روانی و اجتماعی (نوراحمدی، ۱۳۹۱). آن جا که تحقیقات کافی در این زمینه در کشور صورت نگرفته است نتایج این پژوهش می‌تواند منجر به آگاهی بیشتر در زمینه تاثیر طلاق والدین بر بزهکاری اطفال گردد و آگاهی بیشتر در این زمینه می‌تواند منجر به بکارگیری سبک مناسب جهت جلوگیری از اختلاف و طلاق در والدین یا جلوگیری از شکل‌گیری بزه در اطفال گردد. پیامدهای بزهکاری، علاوه بر ضرر و زیان همه‌جانبه‌ای که متوجه این‌گونه افراد و جوامع می‌شود، هدر رفتن سرمایه‌های ملی و تباهی نیروها و استعدادها و فرزندان است که از مهم‌ترین سرمایه‌های هر کشور محسوب می‌شوند. همچنین هزینه‌های هنگفتی همه ساله صرف جبران خسارات وارده بر کشور می‌شود؛ از قبیل: دستگیری، پیگیری، نگهداری و بازپروری. از همه دردناک‌تر اینکه، متأسفانه درمان بزهکاری نیز همواره کافی نبوده و شواهد موجود حاکی است که بخش عظیمی از اطفال بزهکار در بزرگسالی نیز راهشان را ادامه می‌دهند. با توجه به موارد مزبور و با اعتقاد به این حقیقت که پیش‌گیری به مراتب سهل‌تر و مؤثرتر از درمان است، باید فرصت را غنیمت شمرد و بسترهای پیدایش این‌گونه معضلات را در جامعه از بین برد، و به بررسی علل و عوامل بزهکاری و راه‌های پیش‌گیری از آن پرداخت. لذا انجام این پژوهش در شهر شیراز ضروری به نظر می‌آید. این پژوهش که با هدف بررسی تاثیر طلاق والدین در بزهکاری اطفال در شیراز انجام شده است می‌تواند مورد استفاده مراکز مشاوره و روان درمانی قرار گیرد. همچنین با برگزاری دوره‌های آموزشی توسط مدارس یا دیگر سازمان‌ها، می‌توان خانواده‌ها را از مسائل پر خطر طلاق و اختلافات والدین مطلع نمود. همچنین محققین و دانشجویان روانشناسی نیز می‌توانند از این تحقیق بهره‌برند.

منابع و مراجع

- [۱] ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، "نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر"، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- [۲] ساروخانی، باقر (۱۳۷۷)، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی- بینش ها و فنون"، جلد دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۳] تقی زاده، اسماعیل (۱۳۵۹) علل و عوامل موثر بر طلاق در شهر تهران؛ دانشکده ی علوم اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی.
- [۴] جلیلیان، زهرا (۱۳۷۵) عوامل اجتماعی موثر بر درخواست طلاق در شهر تهران؛ دانشگاه علامه طباطبائی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی.
- [۵] حیدری، مهرنوش (۱۳۸۵) رشد صعودی افزایش نرخ طلاق در کشور: تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- [۶] دانش، کتابیون و همکاران (۱۳۷۰) علل و عوامل موثر بر طلاق در شهر تهران، پیک ماما، دوره ششم و هفتم، شماره اول تا سوم، صفحات ۳۴ و ۳۰.
- [۷] داودی، پرستو (۱۳۵۶) علل و عوامل طلاق؛ تهران: دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- [۸] رحمان پناه، عباس (۱۳۷۶) طلاق و علل آن در شهر تهران: دانشگاه علوم انتظامی، پایان نامه ی کارشناسی ارشد.
- [۹] رحیمی، حسین (۱۳۷۹) بررسی عوامل طلاق در استان خراسان، فصلنامه جمعیت؛ سال هشتم، شماره های ۳۴ و ۳۳، صص ۱۱۲-۱۰۰.
- [۱۰] ربیحانی، طیب و عجم، محمود (۱۳۸۱) بررسی علل طلاق در شهر گناباد سال ۱۳۸۱؛ افق دانش، پاییز و زمستان، ۸(۲): صص ۹۶-۱۰۰، روزنامه اطلاعات، ضمیمه (۱۴ مهر ۱۳۷۷)، شماره ۲۱۳۹۱، ص ۸. روزنامه همشهری (۲ شهریور ۱۳۸۷)، شماره ۱۱۹۱، ص ۱۲.
- [۱۱] ساروخانی، باقر (۱۳۷۶) طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن؛ چاپ هشتم، تهران: انتشارات سروش.
- [۱۲] سیف الهی، حجت الله (۱۳۷۲) بررسی علت های طلاق: کاربرد روش تجزیه عاملی ارتباط ها، پایان نامه علوم اجتماعی، ۳(۶)، صص ۱۵۲-۱۴۱.
- [۱۳] شعبانی، عین الله (۱۳۸۲) بررسی عوامل موثر بر تقاضای طلاق در شهر تبریز، تهران: دانشگاه علوم زیستی و توانبخشی، پایان نامه ی کارشناسی ارشد برنامه ریزی پیشگیری از آسیب های اجتماعی.
- [۱۴] شیرزاد، جلال و کاظمی فر، امیرمحمد (۱۳۸۳) مطالعات همه گیرشناسی زوجین در حال طلاق ارجاعی به اداره کل پزشکی قانونی استان همدان در سال ۱۳۷۹؛ پزشکی قانونی، شماره ۳۶، صص ۲۱۲-۲۰۷.
- [۱۵] صالح صدق پور، بهرام (۱۳۷۷) بررسی عواملی که منجر به اختلاف خانوادگی و طلاق می شود؛ مجله اصلاح و تربیت، دوره چهارم، شماره ۳۹، صص ۳۰-۲۶.
- [۱۶] طباطبائی، جعفر و سمانه السادات (۱۳۸۳) بررسی طلاق و عوامل اجتماعی موثر بر آن در شهرستان بیرجند: دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده ی خانواده، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- [۱۷] ظهیرالدین، علیرضا و خدایی فر، فاطمه (۱۳۸۲) بررسی نیمرخ های شخصیتی مراجعین طلاق به دادگاه: فصلنامه علمی پژوهشی فیض، شماره ۲۵، صص ۷-۱.
- [۱۸] فاتحی زاده، مریم و همکاران (۱۳۸۴) بررسی تاثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد. مطالعات تربیتی و روانشناسی، ۱(۶)، صص ۱۳۶-۱۱۷.
- [۱۹] قطبی، مرجان و همکاران (۱۳۸۳) وضعیت طلاق و برخی عوامل موثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت آباد؛ رفاه اجتماعی، بهار، ۳(۱۲)، صص ۲۸۶-۲۷۱.
- [۲۰] گلشن، صیاد (۱۳۷۲) بررسی طلاق و عوامل اجتماعی-جمعیت شناسی موثر بر آن در شهرهای خوی؛ دانشگاه تهران: پایان نامه ی کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی.
- [۲۱] مددی، حسین (۱۳۸۰) بررسی علل تقاضای طلاق زوجین در شهرستان اراک، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، رشته مددکاری اجتماعی.
- [۲۲] ملتفت، حسین (۱۳۸۱) بررسی عوامل موثر بر گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب؛ دانشگاه شیراز، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی.

- [۲۳] مه پویان، ابوالقاسم (۱۳۵۴) بررسی عوامل اجتماعی موثر بر طلاق؛ تهران دانشگاه تهران، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی.
- [۲۴] میراحمدی زاده و همکاران (۱۳۸۲) رضامندی زناشویی و تعیین عوامل تاثیرگذار بر آن در شیراز؛ اندیشه و رفتار، سال هشتم، شماره ۴.
- [25] Agnew, Robert. (2006). Foundation for a general strain theory of crime and delinquency. *Criminology*. 3(1), 47-87.
- [26] Agnew, Robert. (2015). Delinquency and the desire for money. *Justic quarterly*. 11(4), 411-427.
- [27] Agnew, Robert. (2014). controlling delinquency: recommendations from general strain theory. In Barlow, Hugh D. (ed). *Crime and public policy: putting theory to work*. (pp. 43-70). Boulder: west view.
- [28] Agnew, Robert. (2006). Testing the leading crime theories: an alternative strategy focusing on motivational processes. *Journal of research in crime and delinquency*. 32(4), 363-398.
- [29] Agnew, Robert. (2010). The nature and determinants of strain: another look at Durkheim and Merton. In Agnew, Robert and Nikos Passas (eds). *The future of anomie theory*. (pp. 27-51). Boston: Northeastern University Press.
- [30] Bourdieu, P. (2008). "Forms of capital" in J. C. Richards (ed). *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, New York: Greenwood Press.
- [31] Coleman, J. C. (2015) "Social capital in the creation of human capital" *American Journal of Sociology* 94: S95-S120.
- [32] Hirschi & Gottfredson "Commentary: Testing the General Theory of Crime", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 30: 47-54.
- [33] Keane, Carl, Paul S. Maxim, and James J. Teevan (2000) "Drinking and Driving, Self-control, and Gender: Testing a General Theory of Crime. " *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 30:30-46.
- [34] Putnam, R. D. (2011) "The prosperous community: social capital and Public life, in the American Prospect, 4:13.
- [35] Putnam, R. D. (2010) "Bowling Alone: America's Declining Social Capital", *The Journal of Democracy*, 6:1, page 65-78.
- [36] Amato, Paul R. Stacy J. Rogers. (2009) A Longitudinal Study of Marital Problems and Subsequent of Divorce; *Gournal of Marriage and the Family*, 59: 612-624.
- [37] Blossfeld B. & Him E, (2006) causes and consequences of Divorce: An Introduction to This Special Issue, *Journal of Divorce & Remarriage*, 4: 98 - 120.
- [38] Bulanda, J. R. & Brown, S. (2006) Race-ethnic Differences in Marital Equality and Divorce; Department of Sociology and Center for Family and Demographic Research, Bowling Green State University: Bowling Green. USA.
- [39] Douglas, W. Allen. (2002) No-fault Divorce in Canada: Its Cause and Effect; *Journal of Marriage and the family*, 24: 90-130.
- [40] Edward, J. N. & Fuller, S. S. (1998) Female, Employment and Marital Instability: Evidence from Thailand; *Journal of Marriage and the Family*, 54(1): 59-68.
- [41] Farrell, Michael P. (2016) Sibling Effect on Divorce; *Research in Multi-Level Issues*, 5: 239-242.
- [42] Greenstein, Theodore N. & Shannon, Davis. (2016) Cross-national Variation in Divorce: Effect of Women's Power, Prestige and Dependence; *Journal of Comparative Family Studies of*, 37(2): 253-273.
- [43] Holley P. et. al. (2015) The Relationship between Intelligence and Divorce; *Journal of family Issues*, 27(12): 1723-1748.
- [44] Irving, Howard H. & Benjamin, Michael. (2009) An Evaluation of Process and Outcome in a Private Family Mediation Service; *Mediation Quarterly*, 10(1): 35-55.

- [45] Kalmjin, M. & Uunk, W. (2010) Regional Differences in Europe and the Social Consequences of Divorce: A Test of the Stigmatization Hypothesis; Social Research, 36: 447-468.
- [46] Krishnan, Vijaya. (2000) Premarital Cohabitation and Marital Disruption; Journal of Divorce & Remarriage, 28: 157-169.